

اعلامیه مطبوعاتی

مسئولان خواب؛ اما شهر کراچی غرق در باران و سیلاب!

(ترجمه)

باران‌های پی‌پی‌هم، زیرساخت‌های فرسوده شهر کراچی را ویران کرده و بسیاری از مناطق این شهر در مخلوطی از آب باران و فاضلاب، و با اختلال گسترده در تأمین برق، غوطه‌ور شده‌اند. به دنبال اعتراضات و خشم گسترده مردم، رژیم باجو- عمران از خواب خرگوشی دوساله‌اش بیدار شد و اعلان کرد که در حال کار بر روی "طرح متحول‌سازی کراچی" است. با این وجود، چندین دهه مشکلات عمیق و گسترده کراچی را نمی‌توان با پینه عملی و ارتجاعی به دموکراسی ناقص و شکست خورده فدرال حل نمود - خواه با لغو اصلاحیه هجدهم، یا حاکم کردن نظام ریاست جمهوری، یا ایجاد یک شهر جداگانه کراچی و یا سپردن کنترل این ایالت به ارتش.

ساختار دولت ایالتی طوری است که احزاب را در جامعه نهادینه و رسمی می‌کند، بعد آن‌ها را به جوامع سیاسی کوچک‌تر در سطح ولایات/استان‌ها و شهرها تقسیم می‌کند. سپس به احزابی که در رقابت شدید سیاسی قرار دارند، دسترسی به یک دولت انتخاباتی را در ساختار حکومت سه لایه‌ای، که شامل؛ فدرال، ایالت و شهر می‌شود، میسر می‌سازد. به دلیل حاکمیت توسط احزاب مخالف در لایه‌های مختلف، فدرال دموکراسی باعث ایجاد جنگ‌های مخرب قدرت می‌شود و امور مردم به شدت نادیده گرفته می‌شود. علاوه بر این، نظام پارلمانی و ریاستی به بهانه پاسخ‌گویی قدرت را بین دولت، وزارت‌خانه‌ها، مؤسسات و طبقات حکومتی تقسیم می‌کنند که نتیجه آن حکم مشترک است. چنین تقسیم قدرت هم باعث هرج و مرج و هم عدم پاسخ‌گویی دولت می‌شود؛ همان‌طور که در بحران اخیر، معضل شهر کراچی گواه آن است. با غرق شدن کراچی، مقامات دولتی در سطح فدرال، ایالتی و شهری مسئولیت خود را به یکی دیگر واگذار کردند و کسی مسئولیت وضع ناگواری را که امروز کراچی در آن قرار دارد به عهده نگرفت. دموکراسی علاوه بر مشکلات مردم، به نماینده‌گان در مجامع این اختیار را می‌دهد تا مطابق هوا و هوس خود قوانین وضع کنند و راه را برای دست‌کاری قوانین از بهر تأمین منافع‌شان باز کنند، در حالی که از ادای امور امت غافل می‌شوند.

بالعکس دموکراسی، نظام خلافت حکم قنومیت را به خلیفه داده‌است و او به‌طور مستقیم مسئول کارکرد والی‌ها در ولایه‌ها و کارگزاران در شهرها می‌باشد. خلیفه تام‌الاختیار است تا به شکایات مردم از والی‌ها و کارگزاران گوش فرا دهد، و افراد بی‌کفایت دولت را جایگزین افراد توانمند کند. نظام خلافت تمام جامعه را به‌عنوان یک کُل می‌شمارد و تقسیم ولایه‌ها و شهرها حکومت را کمک می‌کند تا همه مناطق خود را به‌عنوان یک جامعه واحد تحت یک ساختار متمرکز با رهبری خلیفه ببیند. هرچند مرجع قدرت به خلیفه تعلق دارد، اما این قدرت جهت اطمینان توجه سریع به بحران‌ها در ولایه‌ها و شهرها به اداره اجرائی داده نشده‌است. خلیفه منابع دولت را بر اساس احکام شرعی و نیاز جامعه به شهرها و ولایات اختصاص می‌دهد، نه به اساس تعداد نماینده‌گان‌شان در دستگاه دولت. در نظام خلافت، خلیفه، والی‌ها و کارگزاران مقید به احکام قرآن و سنت اند؛ نه مجلس امت و نه مجالس ولایتی حق تقنین دارند، بل وظیفه آنان محاسبه حکام بر مبنای اسلام است. در حقیقت، این تمدن والای اسلامی بود که شهرهای مرفعی سمرقند، بخارا، گرنادا، بغداد، قاهره، دمشق و استانبول را بنا کرد، چنان‌که طی قرون متمادی نمادها و چراغ‌های درخشان یک زندگی شهری باشکوه و آرام در سراسر جهان بودند. و ان‌شاءالله، این خلافت به طریقه رسول الله صلی الله علیه و سلم خواهد بود

که باری دیگر شهرهایی مانند کراچی، لاهور، کابل، تهران، سریناگار، داکا، جاکارتا و تونس را احیا خواهد کرد تا باشد که آنها چراغ‌های درخشان جهان امروز شوند.

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر - ولایه پاکستان

۱۴ محرم ۱۴۴۲ ه.ق

چهارشنبه، ۲ سپتمبر/سپتامبر ۲۰۲۰ م

شمارهٔ صدور: ۱۴۴۲/۰۷

مترجم: امیر حسام